

کارت مبادله راستین (RSC)

بیژن بیدآباد^۱

چکیده

کارت مبادله راستین در بانکداری راستین تعریف می‌گردد. این کارت فاقد نرخ بهره است و براساس عقد مبادله یا مبتنی بر اصل حقوقی حاکمیت قرارداد صادر می‌گردد. صادرکننده کارت در ازاء مبلغ معینی که برای مدت معین در کارت شارژ می‌کند از دارنده کارت می‌خواهد تا همان مبلغ را برای همان مدت یا ترکیبی از مبلغ و مدت را که حاصلضرب آن دو با حاصلضرب مبلغ و مدت شارژ شده معادل باشد را در حساب صادرکننده ودیعه بسپارد. کارت مبادله راستین هیچکدام از خصوصیات مالی کارت بدهی و کارت اعتباری را ندارد ولی از لحاظ سیستم‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات از طریق سیستم‌های الکترونیک بانکی مدیریت و پردازش می‌شوند. کارت مبادله راستین می‌تواند بصورت ریالی و ارزی صادر شود. بانک از ارائه خدمت کارت مبادله راستین کارمزد دریافت می‌نماید.

کلیدواژه: کارت مبادله راستین، سپرده مبادله راستین، اوراق مبادله راستین، بانکداری راستین، بانکداری اسلامی، بانکداری بدون ربا، عقد مبادله

JEL: E43, E44, E52, E58, E62, E63

مقدمه

تحریم ربا در ادیان الهی و بویژه در اسلام مانع از بکارگیری آن دسته از ابزارهای مالی متعارفی است که شبهه ربا دارند. در غالب ابزارهای مالی به گونه‌ای نرخ بهره در محاسبات وارد می‌شود و لذا باید ابزارهای مالی جدیدی منطبق با شرع برای تسهیل تأمین مالی با رعایت حرمت ربا ابداع نمود. ابزارهای مالی اسلامی باید در بر گیرنده دو ویژگی اصلی غیرربوی بودن، و دوم کارآمدی آنها از ابعاد قابلیت کاربرد در مسائل تأمین مالی اشخاص باشند. در بانکداری متعارف کارت اعتباری یکی از مهمترین ابزارهای تأمین مالی تلقی می‌شود که ربوی و فاقد وجهت شرعی در نظام بانکداری اسلامی است و عملاً استفاده از این ابزار منع قانونی دارد. این مقاله ابزار جایگزینی برای کارت اعتباری معرفی می‌نماید تا علاوه بر خصوصیت غیرربوی بتواند بطور کارآمد در تأمین مالی اشخاص مورد استفاده قرار گیرد.

کارت مبادله راستین در بانکداری راستین تعریف می‌گردد. این کارت فاقد نرخ بهره است و براساس عقد مبادله

یا مبتنی بر اصل حقوقی حاکمیت قرارداد صادر می‌شود. صادرکننده در ازاء مبلغ معینی که برای مدت معین در کارت شارژ می‌کند از دارنده کارت می‌خواهد تا همان مبلغ را برای همان مدت یا ترکیبی از مبلغ و مدت را که حاصلضرب آن با حاصلضرب مبلغ و مدت شارژ شده معادل باشد را در حساب صادرکننده ودیعه بسپارد. سازوکار و وجوه حقوقی و عملیاتی کارت مبادله راستین بسیار شبیه به اوراق مبادله راستین است. نوع ریالی و ارزی این کارت نیز تعریف می‌گردد.

کارت‌های بانکی

دو گروه اصلی کارت بانکی تحت عنوان کارت بدهی^۲ و کارت اعتباری^۳ در ارائه خدمات بانکی در اکثر بانک‌های جهان مورد استفاده است. کارتهای اعتباری و بدهی هر دو از طریق سیستم‌های الکترونیک بانکی مدیریت و پردازش می‌شوند.

کارت بدهی: در قالب کارتهای مغناطیس یا هوشمند و از نظر فرآیند ثبت حسابداری Online یا Offline می‌باشند. این نوع کارتها مبتنی بر مانده یک حساب مشتری می‌باشد و امکان برداشت از آن بیش از مانده حساب میسر نیست. کارت بدهی در پرداخت نقدی خرید از طریق دستگاه نقطه فروش (POS) یا از طریق شبکه اینترنت و برداشت وجه از دستگاه خودپرداز (ATM) کاربرد دارد. در برخی بانک‌ها ارائه این خدمت مستلزم کارمزد بانک است. کارت بدهی به محض شارژ حساب مشتری می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

کارت اعتباری: کارتی است که به مشتری داده می‌شود و مشتری بدون ریختن وجه در حساب خود می‌تواند توسط آن در مدت مقرر تا حد معینی اقدام به قرض یا خرید کالا یا برداشت از حساب نماید و در سر رسید آن را یکباره یا به اقساط بازپرداخت نماید. در صورت عدم ایفای تعهد در مقاطع زمانی مشخص، بانک نرخ بهره‌ای را بر مدت و مبلغ تأخیر شده مقرر می‌دارد و مشتری یا ضامن وی مکلف به پرداخت اصل و بهره مبلغ مذکور می‌باشند.^۴ شرکت‌ها، بانکها و موسسات مالی و اعتباری منابع لازم را برای این فعالیت در اختیار بانک یا شرکت‌های خاص (نظیر ویزا و مستر و بسیاری شرکت‌های دیگر با نام‌های مختلف در مناطق پولی و کشورهای مختلف) قرار می‌دهند و بانک یا شرکت‌های مزبور مدیریت آن را از طریق سیستم‌های پرداخت الکترونیک خود به عهده می‌گیرند. سقف اعتباری اعطایی به هر فرد بستگی سابقه مالی کار وی با بانک و توان بازپرداخت مشتری دارد تا پایین‌ترین ریسک اعتباری را داشته باشد.

حیطه عملیات مالی این کارت ربوی است. هرچند بانک‌ها و شرکت‌های واسطه در کشورهای اسلامی تلاش بسیار دارند تا با تغییراتی در صورت عملیات منتسب به این کارت یا استفاده صوری از عقود اسلامی (مثلاً عقود جعاله و مرابحه) بر آن برچسب اسلامی بزنند ولی آنقدر ربا در آن واضح است که به هیچوجه قابل تسامح و اغماض نیست. کارت‌های اعتباری غالباً در زمینه مصرف افراد و به عنوان وام مصرفی بکار برده می‌شوند که خود این موضوع مشدد خصوصیت ربوی آنها است. در قالب این کارت، بانک‌ها در اکثر کشورهای جهان نرخ‌های بهره بالایی از مشتریان خود دریافت می‌نمایند و در صورت عدم تسویه در دوره معین ربای مضاعف نیز بر آن وضع می‌نمایند. و این امر را مستدل به

² Debit Card

³ Credit Card

⁴ Martin, Andrew (January 4, 2010). How Visa, Using Card Fees, Dominates a Market. New York Times. CreditCards.com (2006). Prepaid debit card benefits and disadvantages. Creditcards.com.

بالا تر بودن ریسک اعتباری این نوع کارت‌ها می‌نمایند. این کارت از لحاظ عملکردی منطبق با فرهنگ مصرف‌گرایی است. به نحوی که وقتی دارنده کارت با خانواده به مراکز فروشگاه‌های می‌رود معمولاً برای ارضاء خانواده یا همراهان اقدام به خرید کالا نموده و عملاً در دام ربا می‌افتد. کارت‌های اعتباری به صورت کارت‌های اعتباری اولیه^۵ با مبلغ کم اعتبار و بهره بالا یا به صورت کارت‌های اعتباری تضمینی^۶ که اعتبار ایجاد شده بر پایه تضمین یا وثیقه است صادر می‌شوند.

در ارتباط با کارت‌های اعتباری تسهیلات مختلفی به دارندگان آنها اعطاء می‌شود. برای مثال ارائه تخفیفات یا خدماتی نظیر مسافرت، بیمه‌های درمانی و حوادث و لحاظ نکردن بهره در تأخیر در بازپرداخت اعتبار برای مدت معین و غیره از جمله این تسهیلات است.

عملیات اعتباری بانکی

گونه‌های مختلفی از عملیات اعتباری بانکی در بانک‌ها رایج است. اعطای وام بطور کلی عملیات اعتباری بانکی است که به انحاء مختلف و با تضمین‌های متفاوت صورت می‌گیرد. همه این عملیات در قالب اعطای تسهیلات قابل بررسی می‌باشند ولی نوعی از آن عملیات اعتباری است که به مشتریان پرمعامله و خوش حساب اعطا می‌شود. به عبارت دیگر این اعتبار به صاحبان حساب‌های جاری داده می‌شود و با این اعتبار مشتریان می‌توانند بیش از موجودی حساب جاری خود از بانک پول برداشت نمایند. در نظام‌های بانکی بازا این برداشت بیشتر مبلغ بهره براساس مدت و میزان برداشت، محاسبه و مشتری بدهکار می‌گردد. این ترتیب استفاده از اعتبار حساب جاری ماهیت ربوی دارد.

نقش زمان در انعقاد ربا و ربا در عقد مباحه

اعراب به حضرت رسول (ص) عرض کردند که فروش مدت‌دار ربا نیست و این آیه^۷ نازل شد که «قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا». شأن نزول این آیه در ارتباط با خرید و فروش مدت‌دار خرما بود؛ یعنی خرما الان فروخته می‌شد و بهای آن بعد از مدتی به مقدار بیشتری اخذ می‌شد. در این آیه و در سایر آیات قرآن در مورد ربا، به صراحت این نوع گرفتن بهره تحریم شده است. مسئله اساسی در تفسیر نرخ بهره و ربا است. اشتباهی که در فقه رخ می‌دهد این است که فقها به «زمان» به عنوان «اساس» برای تعریف ربا نمی‌پردازند. عنوان می‌شود که اگر مبادله‌ای به مازاد صورت بگیرد ربا است. اما نمی‌گویند هیچ وقت مبادله‌ای به مازاد در زمان حال صورت نمی‌گیرد. مثلاً فردی در زمان حال وجه (یا کالای) مشخصی را به دیگری بدهد و نفر دوم همان وجه (یا کالا) را در همان زمان به نفر اول بازگرداند. این معامله عبث است زیرا فرد اول و فرد دوم هیچکدام منفعتی در آن ندارند. حداقل برای یکی از طرفین نفعی می‌تواند وجود داشته باشد که زمان دریافت و پرداخت مبادله یکی نباشد. یعنی مبادله بین فرد اول و دوم به گونه‌ای صورت گیرد که وجه (یا کالای) مزبور مدتی نزد فرد دوم باشد و بعد به فرد اول بازگردانده شود. در این حالت معامله پول می‌تواند از لحاظ مادی عبث نباشد و علت عبث نبودن آن، انتفاع ناشی از ورود زمان در معامله است. به عبارت

^۵ Subprime Credit Card

^۶ Secured Credit Card

^۷ سوره بقره، آیه ۲۷۵: گفتند: بیع مثل ربا است ولی خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است.

دیگر ربا وقتی مفهوم پیدا می‌کند که معامله مدت‌دار باشد. لذا شرط لازم برای ورود معامله به حریم ربا، زمان است و ورود زمان در معامله می‌تواند موجد ربا باشد. یعنی فصل تمیز ربا و بیع منتج از زمانی است که پول یا کالای فرد اول نزد فرد دوم قرار می‌گیرد. یعنی تفاوت ربا و بیع در ورود زمان به معامله و مازادی است که از ارجحیت زمانی بر مبلغ اسمی معامله بار می‌شود. ربا به این مفهوم مازادی است که در طول زمان، بدون انجام هیچ کار اضافه‌ای روی یک دارایی دریافت می‌گردد به شرطی که دارایی الزاماً همان دارایی نباشد، چون در این حالت مفهوم اجاره می‌دهد.

عقد مرابحه قراردادی^۹ است که به موجب آن عرضه‌کننده، بهای تمام شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، آن را به صورت نقدی، نسیه دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی و یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می‌کند. اموال موضوع قرارداد مرابحه باید در هنگام انعقاد قرارداد موجود باشد. بانک در زمینه رفع نیاز واحدهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی برای تهیه مواد اولیه، لوازم یدکی، ابزارکار، ماشین‌آلات، تأسیسات، زمین و سایر کالاها و خدمات مورد احتیاج و نیازهای خانوارها برای تهیه مسکن، کالاهای بادوام و مصرفی و خدمات، به سفارش و درخواست متقاضی مبادرت به تهیه و تملک این اموال و خدمات نموده و سپس آن را در قالب عقد مرابحه به متقاضی واگذار می‌نماید. با توجه به اینکه مرابحه به این شکل پوشاندن قصد ربا است خود نوعی حيله شرعی است و نرخ بهره را از ابتدا می‌توان در آن محاسبه نمود وارد حریم ربا می‌شود. لذا با توجه به این موضوع نه تنها گناه ربا را با خود به همراه دارد بلکه به گناه حيله شرعی که نوعی کلاه‌گذاردن بر سر خداوند است نیز مشوب است.

عقد مرابحه که تشریفات قانونی نسبتاً ساده‌تری نسبت به سایر عقود دیگر در بانکداری تعریف شده در ایران دارد مدّ نظر برای صدور کارت‌های اعتباری قرار داده شده که بدین طریق ربا را قانونی می‌نماید.

اوراق مبادله راستین

«اوراق مبادله راستین» (RSB)^۹ از ابزارهای مالی نوین در بانکداری راستین است که با قیمت اسمی مشخص صادر می‌شوند. اوراق مبادله راستین در اصل سندی است که ناشر آن تعهد می‌نماید به همان میزان و مدتی که از منابع طرف مقابل استفاده می‌نماید درست به همان میزان و مدت منابع خود را در اختیار طرف دیگر قرار دهد. دارنده این اوراق می‌تواند حق خود را به فرد ثالث بفروشد.

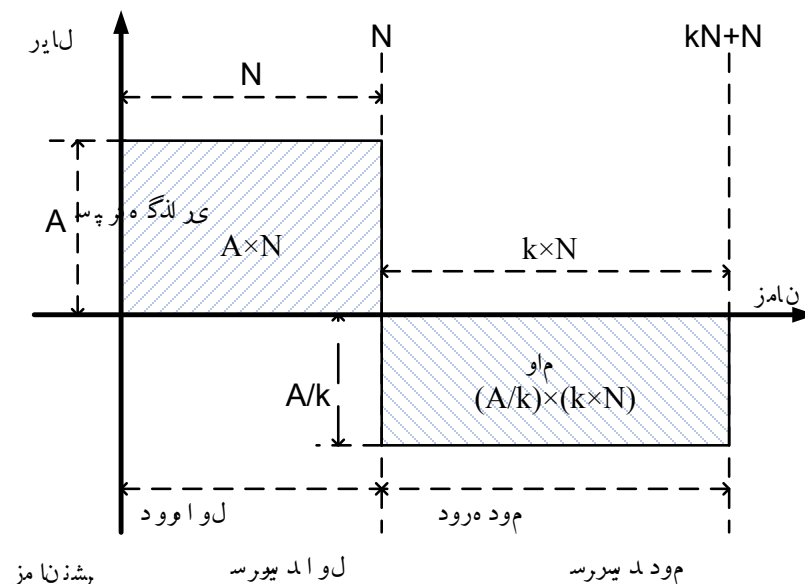
خریدار با خرید این اوراق ذیحق می‌گردد تا نسبت به میزان خرید اوراق پس از سررسید به همان میزان مندرج در ورق و برای همان مدت از وام بدون بهره استفاده نماید و در پایان، وجه قرض گرفته شده را به صادرکننده پرداخت نماید. بدین ترتیب با خرید A ریال اوراق با سررسید N ماه خریدار محق می‌شود در تاریخ سررسید یعنی در انتهای ماه N مبلغ A ریال را برای N ماه بدون بهره وام از فروشنده اوراق وام بگیرد. خریدار و فروشنده اوراق توافق می‌نمایند که ترکیبی از A ریال و N ماه را به گونه‌ای انتخاب کنند تا خریدار بتواند کسره‌های کوچکتر، مساوی یا بزرگتر از یک از A ریال را در تناسب با N ماه چنان انتخاب کند که همواره میزان حاصلضرب وجه در مدت مساوی $A \times N$ ثابت باشد. به

^۹ دستورالعمل اجرایی عقد مرابحه، بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۰.

^۹ Rastin Swap Bond (RSB)

عبارت دیگر خریدار می‌تواند در عوض A ریال مبلغ $A/2$ ریال را برای $2N$ ماه در پایان ماه N وام بگیرد. یا در عوض A ریال مبلغ $A/3$ ریال را برای $3N$ ماه در پایان ماه N وام بگیرد. که در هر دو حال نتیجتاً مقدار عبارت: $(A/2) \times (2N) = (A/3) \times (3N) = A \times N$ برابر با مقدار ثابت $A \times N$ خواهد شد. یا بطور کلی در عوض A ریال مبلغ A/k ریال را برای kN ماه در پایان ماه N وام بگیرد. پارامتر k می‌تواند هر عدد مورد توافق طرفین باشد و یا می‌تواند هر عدد مورد نظر خریدار باشد.

عملاً در این اوراق دو دوره زمانی و دو تاریخ سررسید استفاده می‌شود. دوره اول به میزان N ماه از زمان فروش اوراق تا زمان سررسید اول است و دوره دوم از زمان سررسید اول (N) تا زمان بازدریافت منابع ($kN+N$) یا زمان سررسید دوم می‌باشد. سررسید اول هنگامی است که فروشنده اوراق موظف است وجه وام گرفته را به میزان A ریال برای N ماه و یا به میزان A/k ریال برای kN ماه به خریدار وام دهد. پس سررسید اول در زمان N اتفاق خواهد افتاد. سررسید دوم هنگام اختتام معامله و زمانی است که فروشنده اوراق خود را در زمان $kN+N$ ماه پس از زمان فروش اولیه اوراق بازدریافت می‌کند. (تصویر ۱)



تصویر ۱

بدین ترتیب با خرید اوراق با سررسید مشخص خریدار محق می‌شود تا در تاریخ سررسید اول همان مبلغ را برای همان مدت بدون بهره وام از فروشنده اوراق وام بگیرد. خریدار و فروشنده اوراق توافق می‌نمایند که ترکیبی از مبلغ و مدت را به گونه‌ای انتخاب کنند تا خریدار بتواند کسره‌های کوچکتر، مساوی یا بزرگتر از یک از مبلغ را در تناسب با مدت چنان انتخاب کند که همواره میزان حاصلضرب وجه در مدت برای هر دو قرض مساوی باشد. عملاً در این اوراق دو دوره زمانی و دو تاریخ سررسید استفاده می‌شود. دوره اول مربوط از زمان فروش اوراق تا زمان سررسید اول است که نفر اول مقرض و نفر دوم مقترض است و دوره دوم از زمان سررسید اول تا زمان بازدریافت منابع یا زمان سررسید دوم می‌باشد که نفر اول مقترض و نفر دوم مقرض می‌باشد.

اوراق مبادله راستین در اصل سندی است که دو حق کاملاً مساوی و معادل را بین متعاملین تعریف می‌نماید. فروشنده اوراق در اصل تعهد می‌نماید به همان میزان و مدتی که از منابع طرف مقابل استفاده می‌نماید درست به همان

میزان و مدت منابع خود را در اختیار طرف دیگر قرار دهد. بیان ساده این موضوع به این شکل است که دو نفر تصمیم می‌گیرند دارائی مشخص خود را برای مدتی مساوی به صورت عاریه نزد طرف دیگر بپسارند. نفر اول وجهی مشخص را برای مدتی معین نزد طرف دوم می‌سپارد و طرف دوم عیناً همان مقدار وجه را برای همان مدت نزد طرف اول به امانت می‌گذارد. در این حالت هیچگونه مازاد یا امتیاز اضافه برای هیچکدام از طرفین در نظر گرفته نمی‌شود. از سوی دیگر چون دارنده این اوراق ذیحق می‌گردد می‌تواند حق خود را به فرد ثالث بفروشد. این اوراق را می‌توان از طریق اینترنت خرید و فروش نمود.

برای تسهیل صدور و معامله اوراق مبادله راستین عقد مبادله تعریف می‌گردد. هر چند در غیاب این عقد می‌توان طبق ماده ۱۰ قانون مدنی (اصل حاکمیت قراردادها) نیز نسبت به صدور و معامله اوراق مبادله راستین اقدام نمود. اوراق مبادله راستین در لایحه بانکداری راستین^{۱۰} اینگونه تعریف می‌شود: اوراق مبادله راستین اوراق بهادار دیجیتال است که بر اساس عقد مبادله بین مبادل و متبادل منعقد می‌گردد بطوریکه بدل و مبدل و مدت آنها هر دو به یک اندازه است. متبادل ناشر اوراق بوده و به میزان ارزش اسمی آن به مبادل بدهکار است و باید در سررسید (اول/بدل) به دارنده اوراق (مبادل) بپردازد. متبادل متعهد است تا به اندازه بدل و مدت آن (مدت بدل) مبدل را به همان میزان و مدت آن (مدت مبدل) (یا ترکیبی از مدت و مبلغ را اختیار کند که حاصلضرب مدت بدل در مبلغ بدل مساوی همین حاصلضرب برای مدت و مبلغ مبدل باشد)، در اختیار مبادل قرار دهد و در سررسید (دوم/مبدل) مبادل متعهد می‌شود تا مبدل را به متبادل پرداخت نماید. در اوراق مبادله راستین مبادل و متبادل نباید در محاسبه مبلغ اسمی یا مدت بدل و مبدل از نرخ بهره استفاده کنند و الزاماً باید حاصلضرب اخیر همواره رعایت شود. مدت‌های بدل و مبدل و طول دوره فترت با توافق طرفین هنگام انعقاد عقد مبادله تعیین می‌شود. پایان مدت بدل، سررسید بدل و پایان مدت مبدل، سررسید مبدل نامیده می‌شود. دوران فترت در اوراق مبادله راستین فاصله زمانی بین سررسید بدل تا آغاز مدت مبدل است. بدل می‌تواند هم پرداخت منابع و هم دریافت منابع باشد در این صورت مبدل باید به ترتیب دریافت منابع و پرداخت منابع متناسب با آن از یک پول واحد و با رعایت شرایط این ماده باشد. اوراق مبادله راستین می‌تواند بصورت ریالی و ارزی صادر شود. در هر حالت باید جنس بدل با جنس مبدل یکسان و از یک پول واحد باشند مگر نوع خاص اوراق مبادله راستین بانک مرکزی. اوراق مبادله راستین در چهار نوع کلی اوراق مبادله راستین بانک مرکزی، اوراق مبادله راستین خزانه، اوراق مبادله راستین بانکی و اوراق مبادله راستین تجاری قابل صدور و انتشار است. تأخیر در ایفای تعهد در سررسید برای هر یک از طرفین طرف دیگر را مجاز می‌نماید تا منابع طرف مقابل را به مدتی اضافه‌تر نزد خود به عاریه نگه دارد بطوریکه حاصلضرب مدت بدل (مبدل) در مدت بدل (مبدل) مساوی همین حاصلضرب برای مدت مبدل (بدل) بعلاوه مدت تأخیر در مبلغ مبدل (بدل) باشد. توضیحات اجرایی اوراق مبادله راستین در آیین‌نامه اجرایی بانکداری راستین^{۱۱} آمده است.

^{۱۰} بیژن بیدآباد، آذرننگ امیراستوار، سعید عبداللہی، محمود الہیاری‌فرد، اسکندر پردل، مریم حیدری، علیرضا شفیعی، محمدعلی پوربهرروز، پیشنویس لایحه قانونی بانکداری راستین، بانک ملی ایران، ۱۳۹۱. <http://www.bidabad.com/doc/rastin-banking-bill.pdf>

^{۱۱} بیژن بیدآباد، آذرننگ امیراستوار، سعید عبداللہی، محمود الہیاری‌فرد، اسکندر پردل، مریم حیدری، علیرضا شفیعی، محمدعلی پوربهرروز، پیشنویس آئین‌نامه اجرائی بانکداری راستین، بانک ملی ایران، ۱۳۹۱. <http://www.bidabad.com/doc/rastin-banking-regulation.pdf>

خصوصیات اوراق مبادله راستین^{۱۲} اعم از ریالی و ارزی و جواز فقهی و حقوقی^{۱۳} و وجوه عملیاتی^{۱۴} آن در مقالات دیگر مورد بحث قرار گرفت و آثار پولی انتشار این اوراق و همچنین اثر آن بر نقدینگی و نرخ‌های تورم، بهره و ارزش تحلیل شد. بستر لازم برای معاملات اوراق مبادله راستین در بازارهای ثانویه مبتنی بر فناوری اطلاعات نیز بررسی گردید.^{۱۵}

^{۱۲} نگاه کنید به:

- بیژن بیدآباد، سپرده مبادله راستین (RSC)، ۱۳۹۳. <http://www.bidabad.com/doc/rsd-paper-fa.pdf>
 - بیژن بیدآباد، محمود الهیاری فرد، اوراق قرضه غیرریوی (ریالی و ارزی) و ابزارهای پولی بانکداری مرکزی بدون ربا، مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران. ۳۰ بهمن لغایت ۱ اسفند ۱۳۸۹، گروه مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، صفحات ۵۴۰-۵۱۷. <http://www.bidabad.com/doc/Islamic-banking-bond-fa.pdf>
 - بیژن بیدآباد، گواهی قرض الحسنه پس‌انداز (SQC)، مجموعه مقالات همایش ملی بانکداری اسلامی در تأمین مالی (با تأکید بر بانکداری اسلامی)، ۲۲ آذر ۱۳۹۰، بانک قرض الحسنه مهر ایران و دانشگاه تربیت مدرس، تهران. <http://www.bidabad.com/doc/gavahi-qarzulhasana-pasandaz.pdf>
<http://bidabad.com/doc/gavahi-qarz-paper.ppt>
 - بیژن بیدآباد، امیر عباس سیاهپوش، مهتاب میرزایی قاضی، سمیه الجبوری، زینب غلامی، امیر شریفی، امیر شمس، شهرام اکبرزاده. (کتاب) طرح تفصیلی گواهی قرض الحسنه پس‌انداز، بانک قرض الحسنه مهر ایران، ۱۳۸۹.
 - بیژن بیدآباد، امیرعباس سیاهپوش، مهتاب میرزایی قاضی، سمیه الجبوری، زینب غلامی، امیر شریفی، امیر شمس، شهرام اکبرزاده. (کتاب) طرح تفصیلی گواهی قرض الحسنه پس‌انداز با گواهی امتیاز حق وام، بانک قرض الحسنه مهر ایران، ۱۳۹۰. <http://bidabad.com/doc/gavahi-qarz-tarh-bi-vam.pdf>
<http://bidabad.com/doc/gavahi-qarz-tarh.ppt>
 - Bidabad, Bijan, Mahmoud Allahyarifard. Usury-Free Bonds and Islamic Central Banking Monetary Instruments. 2010. <http://www.bidabad.com/doc/Islamic-banking-bond-en.pdf>
 - Bidabad, Bijan, Abul Hassan, Ben Ali Mohamed Sami, Mahmoud Allahyarifard. Interest-Free Bonds and Central Banking Monetary Instruments. International Journal of Economics and Finance. Vol. 3, no. 3, Aug 2011, pp.234-241. <http://www.ccsenet.org/journal/index.php/ijef/article/download/11665/8300>
 - Bidabad, Bijan, Interest-Free Treasury Bonds (IFTB), 2011. <http://www.bidabad.com/doc/interest-free-t-bond-en.pdf>
<http://www.bidabad.com/doc/iftb-en.pptx>
 - Bidabad, Bijan, Interest-Free Treasury Bonds (IFTB), Islamic Finance and Legal Clarifications, 2011. <http://www.bidabad.com/doc/interest-free-t-bond-feqhi-en.pdf>
 - Bidabad, Bijan, Abul Hassan, Ben Ali Mohamed Sami, Mahmoud Allahyarifard. Interest-Free Bonds Financial Innovation, A Monetary Instrument for Economy at Crisis. Journal of Economic Cooperation and Development (JECED). 32, 1, 2011, 55-70. http://www.sesric.org/jecd/jecd_articles/ART10102201-2.pdf
- ^{۱۳} بیژن بیدآباد، بررسی فقهی و حقوقی اوراق قرضه بدون ربا، مجموعه مقالات همایش ملی بانکداری اسلامی در تأمین مالی (با تأکید بر بانکداری اسلامی)، ۲۲ آذر ۱۳۹۰، بانک قرض الحسنه مهر ایران و دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

<http://www.bidabad.com/doc/legal-analysis-of-non-usury-bonds.pdf>
<http://bidabad.com/doc/legal-analysis-of-non-usury-bonds.ppt>

^{۱۴} بیژن بیدآباد، شیوه عملیاتی اوراق مبادله راستین، ۱۳۹۲. <http://www.bidabad.com/doc/rsb-operations-fa.pdf>

^{۱۵} نگاه کنید به:

- بیژن بیدآباد، محمود الهیاری فرد، تأمین مالی غیرریوی مبتنی بر فناوری اطلاعات. مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران. ۳۰ بهمن لغایت ۱ اسفند ۱۳۸۹، گروه مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، صفحات ۸۹-۶۹. <http://www.bidabad.com/doc/non-usury-finance-it-fa.pdf>
- <http://www.bidabad.com/doc/rastin-bank-rcm-fa.pdf>

سپرده مبادله راستین

«سپرده مبادله راستین» (RSD)^{۱۶} نوعی حساب سپرده بانکی است که در بانکداری راستین افتتاح می‌شود. حساب سپرده مبادله راستین به این منظور افتتاح می‌گردد که بانک تقبل و تعهد می‌نماید که به همان میزان و مدتی که از منابع سپرده‌گذار استفاده می‌نماید درست به همان میزان و مدت منابع خود را در اختیار وی قرار دهد. سپرده‌گذار با افتتاح سپرده مبادله راستین ذیحق می‌گردد تا نسبت به مبلغ سپرده برای مدتی که منابع خود را در این سپرده سپرده‌گذاری کرده است به همان میزان و برای همان مدت از وام بدون بهره استفاده نماید و در پایان، وجه قرض گرفته شده را به بانک مسترد نماید.^{۱۷}

کارت مبادله راستین

همانطور که ذکر شد کارت مبادله راستین شباهت بسیاری به اوراق مبادله راستین دارد با این تفاوت اصلی که برعکس اوراق مبادله که اول سپرده‌گذاری واقع می‌شود سپس وام، در کارت مبادله راستین اول وام تحقق می‌یابد و سپس سپرده‌گذاری واقع می‌شود. این تمایز از مقایسه تصاویر ۱ و ۲ قابل دریافت است.

مشتری (خریدار/دارنده) کارت با رجوع به صادرکننده کارت درخواست می‌نماید تا صادرکننده مبلغ معینی را برای مدت معین در کارت شارژ می‌کند. از بابت این خدمت دارنده کارت متعهد می‌شود تا همان مبلغ را برای همان مدت یا ترکیبی از مبلغ و مدت را که حاصلضرب آن با مبلغ و مدت شارژ شده معادل باشد در حساب بانک به عاریه بسپارد. در سررسید اول دارنده کارت وجه شارژ شده را به بانک عودت داده و مبلغی معادل مبلغ شارژ شده برای همان مدت نزد بانک عاریه می‌گذارد. پس از حصول سررسید دوم بانک مبلغ عاریه گذاشته را آزاد و به حساب مشتری منتقل می‌نماید.

مشتری مکلف می‌گردد تا تضمین یا وثیقه لازم را برای حسن ایفای تعهدات خود به بانک بسپارد. نوع وثیقه یا تضمین را بانک با توجه به مقررات بانکداری راستین و همچنین شناخت خود از سابقه مشتری و میزان مبلغ شارژ مقرر می‌دارد. در سررسید دوم وثیقه یا تضمین مشتری پس از انجام تعهدات آزاد می‌گردد.

لذا کارت مبادله راستین اینگونه تعریف می‌شود: کارت مبادله راستین یک کارت بانکی است که بر اساس عقد مبادله بین مبادل و متبادل منعقد می‌گردد بطوریکه بدل و مبدل و مدت آنها هر دو به یک اندازه است. مبادل صادرکننده کارت بوده و به میزان ارزش اسمی آن از متبادل (مشتری) طلبکار است و متبادل باید در سررسید (اول/بدل) به صادرکننده کارت (مبادل) بپردازد. متبادل متعهد است تا به اندازه بدل و مدت آن (مدت بدل) مبدل را به همان میزان و مدت آن (مدت مبدل) (یا ترکیبی از مدت و مبلغ را اختیار کند که حاصلضرب مدت بدل در مبلغ بدل مساوی همین حاصلضرب برای مدت و مبلغ مبدل باشد)، در اختیار مبادل قرار دهد و در سررسید (دوم/مبدل) متبادل متعهد می‌شود تا مبدل را به مبادل پرداخت نماید. در کارت مبادله راستین مبادل و متبادل نباید در محاسبه مبلغ اسمی یا مدت بدل و مبدل از نرخ بهره استفاده کنند و الزاماً باید حاصلضرب اخیر همواره رعایت شود. مدت‌های بدل و مبدل و طول دوره فترت با توافق طرفین هنگام انعقاد عقد مبادله تعیین می‌شود. پایان مدت بدل، سررسید بدل و پایان مدت مبدل، سررسید مبدل

^{۱۶} Rastin Swap Bond (RSB)

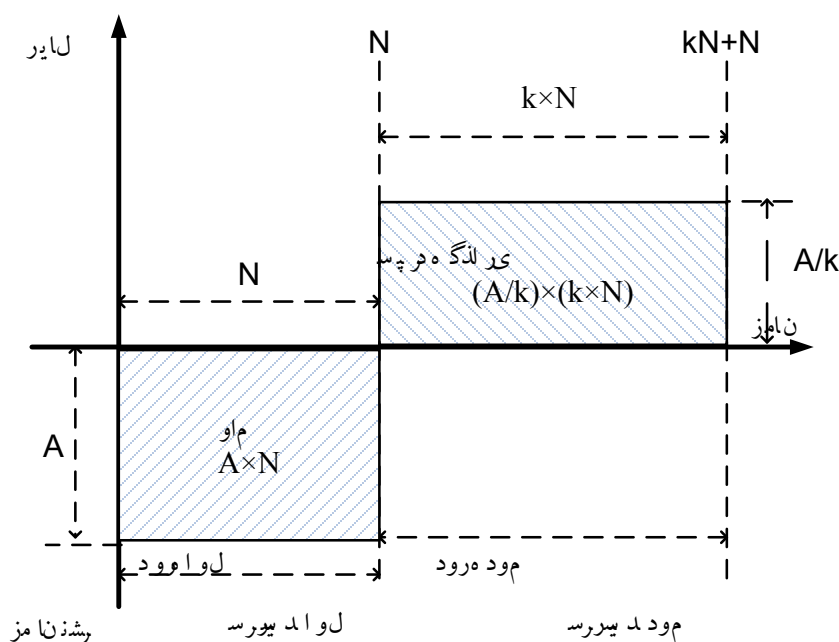
^{۱۷} بیژن بیدآباد، سپرده مبادله راستین (RSD)، ۱۳۹۳. <http://www.bidabad.com/doc/rsd-paper-fa.pdf>

نامیده می‌شود. دوران فترت در کارت مبادله راستین فاصله زمانی بین سررسید بدل تا آغاز مدت مبدل است. در صورت تأخیر در ایفای تعهد در سررسید (اول/بدل) مبادل می‌تواند پس از وصول بدل، مبدل را به مدتی نزد خود عاریه نگه دارد بطوریکه حاصلضرب مدت بدل در مبلغ بدل مساوی همین حاصلضرب برای مجموع مدت مبدل بعلاوه مدت تأخیر در مبلغ مبدل باشد.

کارت مبادله راستین می‌تواند بصورت ریالی و ارزی صادر شود. در این ارتباط کارت مذکور در فوق بصورت ارزی قابل صدور است و تفاوت قابل ملاحظه‌ای با کارت ریالی ندارد بجز اینکه مبالغ اسمی در دو دوره می‌تواند یک ارز خارجی باشد. در هر حالت باید جنس بدل با جنس مبدل یکسان و از یک پول واحد باشند.

کارت مبادله راستین ارزی که برای یک ارز در دوره اول و بازپرداخت آن به ارز دیگر در دوره دوم صادر شود نیز شبهه ربا را وارد معامله نمی‌کند. و برای حصول این تسهیل هر دو طرف تعهد می‌نمایند که در سررسید اول نرخ تبدیل ارز برای میزان ارز دیگر در دوره دوم مناط عمل قرار گیرد.

بانک از ارائه خدمت کارت مبادله راستین کارمزد دریافت می‌نماید. محل تأمین منابع برای این خدمت می‌تواند منابع بانک یا منابع در اختیار وی از دیگر سپرده‌ها و همچنین منابع سپرده‌ای جذب شده سپرده مبادله راستین باشد.



تصویر ۲

جواز شرعی کارت مبادله راستین

ربای معاملی عبارت از این است که یک طرف، کالای هم جنس مکیل و موزون را به طرف دوم به زیاده عینی یا حکمی معامله کند. چنین معامله‌ای بخاطر زیاده عینی یا حکمی، ربوی است و شرعاً حرام است. در ربای معاملی معاوضه به میزان ثابت در طول زمان در میان نیست بلکه معاوضه به مازاد در طول زمان مد نظر است. از این جهت است که کارت مبادله راستین وارد حریم ربای معاملی نمی‌شود زیرا عملیات مالی آن بر مبنای معاوضه به مازاد در طول زمان نیست و بلکه فقط معاوضه صورت می‌گیرد و معاوضه با میزان ثابت در طول زمان واقع می‌شود و از این معاوضه هیچ

مازادی به مقرض تعلق نمی‌گیرد.

در ربای قرضی فرد جنس یا پولی را قرض می‌دهد و سپس منفعتی بیش از آنچه که قرض داده می‌گیرد. در ربای قرضی لازم نیست منفعت از جنس همان چیزی باشد که قرض داده شده و هر چه که منفعت تلقی شود را شامل می‌شود. کارت مبادله راستین مشمول ربای قرضی نمی‌شوند زیرا هیچ منفعت مازادی از قرض به مقرض تعلق نمی‌گیرد. اصل ربا در قرض موضوعیت می‌یابد و قرض بر دو نوع استهلاکی و استنتاجی طبقه‌بندی می‌شود. در قرض استنتاجی شخص برای اینکه آن را استنتاج کند و از آن نتیجه‌گیری نماید قرض می‌کند که به وام‌های سرمایه‌گذاری معروف است و نه برای اینکه خود عین را صرف کند. قرض استهلاکی قرضی است که برای مصرف کردن و برای رفع احتیاجات زندگی مقرض باشد. ادله شرعی در باب حرمت ربا بیش از همه متوجه قرضهای استهلاکی یا مصرفی است.^{۱۸} اشاره معنوی این آیه که می‌فرماید: «فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^{۱۹} صحت عملیاتی کارت مبادله راستین را تأیید می‌کند. زیرا طبق «فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ» رأس مال در سررسید اول در این کارت برگردانده می‌شود و برای اینکه «لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» نیز واقع شود به همان میزان و مدتی که مقرض قرض داده قرض می‌گیرد که کاملاً منطبق با مفهوم این آیه می‌باشد.

فقها درباره این موضوع یعنی قرض به شرط قرض کمتر اظهار نظر نموده‌اند. از متقدمین نظر علامه حلی در قواعد الاحکام به صراحت موضوع را تأیید می‌نماید. علامه قائل به جواز قرض به شرط قرض است و می‌نویسد:^{۲۰} «جایز است که مقرض به او قرض بدهد به شرط اینکه از وی قرض بگیرد و یا دیگری از وی قرض بگیرد و یا اینکه مقرض مالی را به ثمن‌المثل و یا کمتر از آن به مقرض بفروشد یا سلف بدهد یا سلف بگیرد و اگر گفت به تو قرض دادم به شرط آنکه به من غیر آن را قرض دهی صحیح است و به خلاف بیع وعده واجب نیست». علامه حلی در تذکره الفقها همین موضوع

^{۱۸} از این لحاظ است که قرآن کریم ربا را در مقابل صدقه آورده و می‌فرماید: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزَيِّدُ الصَّدَقَاتِ». سوره بقره، آیه ۲۶۷. خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد.

نگاه کنید به: بیژن بیدآباد، عبدالرضا هرسینی، تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستی‌های فقه متداول در کشف احکام شارع. ارائه شده به همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲. چاپ مجدد در مجله بانک و اقتصاد شماره‌های: ۱۰۶: خرداد ۱۳۸۹، صفحات: ۴۲-۳۸؛ ۱۰۸: مرداد ۱۳۸۹، صفحات: ۴۱-۳۶؛ ۱۰۹: شهریور ۱۳۸۹، صفحات: ۳۸-۳۴

<http://www.bidabad.com/doc/reba-fa.pdf>، صفحات: ۴۲-۴۴.

^{۱۹} سوره بقره، آیات ۲۸۱-۲۷۸: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ. فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَئِنَّكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ. وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ. وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ.» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از خودتان است. نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید. و اگر (بدهکاران) تنگدست باشد، پس تا (هنگام) گشایش، مهلتی (به او دهید)؛ و اگر ببخشید آن برای شما بهتر است، اگر بدانید. و بترسید از روزی که در آن، به سوی خدا بازگردانده می‌شوید، سپس به هر کسی آنچه به دست آورده، تمام داده شود؛ و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

^{۲۰} ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی اسدی، معروف به علامه حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۲، ص: ۱۰۴؛ يجوز لو أقرضه بشرط أن يقترض منه، أو يقرضه آخر، أو يبيعه بثمن المثل، أو بدونه، أو يسلفه، أو يستلف منه، و لو قال: أقرضتك بشرط أن أقرضك غيره صح و لم يجب الوعد، بخلاف البيع.

را تأکید می‌نماید که: ^{۲۱} «پس اگر به کسی چیزی را قرض دهد به شرط آنکه مال دیگری را از او قرض بگیرد صحیح است». و از نظر شافعی هم نقل می‌نماید که: ^{۲۲} «اقراض به شرط اقراض مانند بیع شرط است». نظر علامه را بسیاری دیگر از فقها متقدمین تحلیل و شرح کرده‌اند که به آنها نمی‌پردازیم. ^{۲۳}

علماء متاخر نیز نظرات متفاوتی درباره قرض به شرط قرض داده‌اند. جواب آیت الله جوادی آملی ^{۲۴} در پاسخ به این سوال که «گروهی با هدف رفع مشکلات اهالی محله و نیازمندان، اقدام به تأسیس صندوق خیریه کرده‌اند؛ آیا می‌توان به مدت یکسال یا بیشتر، مبالغ را کنار گذاشت و آنگاه اقدام به توزیع آن کرد؟» این است که «با توافق صاحبان سهام جایز است». آیت الله محمد تقی بهجت قرض به شرط قرض را صحیح ندانسته ولی به عنوان راه گریز از ربای قرضی اینطور می‌نویسد که: «آسانترین راه آن به این است که در برابر سود مورد نظر معامله‌ای انجام دهند و در ضمن آن معامله قرض شرط گردد». ^{۲۵} آیت الله یوسف صانعی در پاسخ به این سوال که «آیا قرض به شرط قرض جایز است؟» پاسخ می‌دهد: «قرض به شرط قرض، جایز است، و مشمول ادله حرمت قرض به شرط زیاد نیست». ^{۲۶}

عقل هم بر این موضوع صحه می‌گذارد که قرض به شرط قرض مازادی بر قرض نیست که مشمول حدیث نبوی ^{۲۷} «کل قرض یجّر المنفعة فهو حرام» شود. قرض به شرط قرض بیع شرط بین دو قرض حلال و بدون ربا است. در قرض اول مقرض مالی را به مقرض قرض می‌دهد و بدون اینکه مازادی بگیرد در سررسید مقرض مبلغ قرض را پس می‌دهد و دوباره فرد دوم مبلغی را به اولی قرض می‌دهد و در سررسید دوم همان مال را بدون اضافه پس می‌گیرد. با این

^{۲۱} ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی اسدی، (علامه حلی)، تذکره الفقهاء (ط-الحدیثه)، ج ۱۳، ص: ۴۲: «فلو أقرضه شيئاً بشرط أن يقرضه مالاً آخر، صحّ، ولم يلزمه ما شرط، بل هو وعدٌ وعده».

^{۲۲} ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی اسدی، (علامه حلی)، تذکره الفقهاء (ط-الحدیثه)، ج ۱۳، ص: ۴۳: «و فی وجهٍ للشافعیّة: أنّ الإقراض بشرط الإقراض کالبیع بشرط».

^{۲۳} برای مثال می‌توان به منابع زیر مراجعه نمود:

- شیخ نور الدین علی بن حسین بن عبد العالی کرکی، محقق ثانی (محقق کرکی)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴ ه ق، چاپ: دوم، قم، ج ۵، ص ۲۳.
- فخرالدین ابوطالب محمد بن حسن بن یوسف حلی (فخر المحققین)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ه ق، قم، ج ۲ ص ۴.
- علامه سید محمد جوادی بن محمد حسینی شقرائی عاملی نجفی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد علامه، ج ۵ صص ۳۹-۳۸.
- سید محمد مجاهد طباطبائی، المناهل، ص ۶.
- محمد حسن بن باقر نجفی (صاحب الجواهر)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت، لبنان، ج ۲۵، ص ۶۳.

^{۲۴} <http://www.esraco.org/Pages/Index.aspx?kind=2&lang=fa&id=MzY5-R5vJFUg9I5s%3d> ۸۱/۴/۱۲

^{۲۵} مسئله ۸۹۳ <http://bahjat.org/fa/content/view/1008>

^{۲۶} منتخب الاحکام مطابق با فتاوی آیت الله شیخ یوسف صانعی، انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۰، قم. صفحه ۶۱، س ۵۰۷، ۷۵/۱۲/۲۴. همچنین نگاه کنید به: منتخب الاحکام طبقاً للفتاوی آیه الله الشیخ یوسف الصانعی، س ۵۰۹: هل يجوز إعطاء القرض مع اشتراط القرض من الطرف المقابل؟ ج: القرض بشرط الإقراض هو قرض جائز ولا تشمله أدلة القرض بشرط الزيادة، وإنما تختص الحرمة بالزيادة العينية أو الحکمیة، آلا انتفاع بالعين المرهونة أو غيرها. ۴ ذوالقعدة ۱۴۱۷. مکتب قم، شارع الشهید محمّد المنتظری، الفرع الثامن، رقم ۴، قم، ایران.

<http://www.feqh.org/ar/books/pdf/montakhab.pdf>

^{۲۷} قاضی نعمان بن محمد بن منصور مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ح ۱۶۷، ص ۶۱.

استدلال براهتی می‌توان دریافت که قرض به شرط قرض، بیع شرط است و منع فقهی ندارد.

بستر حقوقی کارت مبادله راستین

بسیاری از عملیات پولی و بانکی از منظر قانون مدنی ایران مستحدثه قلمداد می‌شوند. قانون مدنی انواع عقد بیع را احصاء نکرده است و فقط به ذکر مصادیقی از آن نظیر: بیع مطلق، بیع مشروط، بیع مؤجل، بیع نقد یا حال، بیع معاطات، بیع سلف و سلم، بیع منجز، بیع خیار، بیع صرف، بیع فضولی و ... پرداخته است.^{۲۸} اگر کارت مبادله راستین را با توجه به مشترکات آن با عقد بیع در قانون مدنی، نوعی بیع بدانیم چندان راه خطا نرفته‌ایم ولی جز بیع شرط بیع خاصی را در این ارتباط نمی‌توان معین نمود، هر چند شرط تملیک در کارت معلق به زمان و لاینحل باقی می‌ماند.

عقود معین و کارت مبادله راستین

از تفسیر مضیق قانون مدنی استحصال نحوه‌ای برای عقد کارت مبادله راستین مقدور نیست. زیرا هر کدام از عقود معین ناظر بر شرایط خاصی هستند که شامل خصوصیات کارت مبادله راستین نمی‌شوند. لذا در اینجا به بررسی ویژگی‌های عقود پرداخته و امکان تطبیق آنها را با کارت مبادله راستین بررسی می‌نمائیم.

عقود معین به قراردادهایی اشاره دارد که در فقه و قانون، نام خاص و مشخص دارد و احکام و آثار ویژه آنها به تفصیل بیان شده است. در مقابل، قرارداد به سایر عقود گفته می‌شود که بر اساس نیاز جامعه جواز آن داده شده و قانون بر آن اثر حقوقی می‌بخشد. قراردادها صورت ویژه ندارند و شرایط و آثار هر پیمان بر طبق قواعد عمومی قراردادها و اصل حاکمیت اراده معین می‌شود.

عقود و قراردادها با توجه به نتیجه و اثر عقد به دو گروه تملیکی و عهدی تقسیم شده‌اند. در عقود تملیکی، اثر مستقیم عقد، انتقال مالکیت یا سایر حقوق عینی است ولی در عقود عهدی، نتیجه قرارداد عبارت از ایجاد، انتقال یا سقوط تعهدات است. از سوی دیگر عقود و قراردادها با توجه به موضوع و هدف اقتصادی آنها به دو دسته معوض و مجانی تقسیم می‌شوند. عقود معوضه عقود هستند که در آنها دو تعهد یا تملیک متقابل باشد. یعنی هریک از دو طرف در برابر مالی که می‌دهند یا دینی که برعهده می‌گیرند، مال یا تعهد دیگری به دست می‌آورند. عقود مجانی مانند هبه و عاریه تنها در بردارنده یک تعهد یا تملیک می‌باشند. عقود تملیکی معوض نیز به عقودی که در آنها مالکیت عین انتقال می‌یابد مانند بیع و قرض و عقودی که در آن منفعت یا حق انتفاع، انتقال داده می‌شود مانند عقد اجاره و عمری طبقه‌بندی می‌شوند.^{۲۹}

در کارت مبادله راستین، مالکیت یک عین در مقابل عوض به صورت زمانبندی شده، به نفر دیگر منتقل می‌شود. بنابراین چنین قراردادی از نظر ماهیت و آثار، به عقود تملیکی و معوض عین، شباهت دارد ولی کاملاً با همه ویژگی‌های این عقود منطبق نیست.

از میان عقود معین، تنها سه عقد است که در آنها، عین به صورت معوض به دیگری تملیک می‌شود. این سه عقد

^{۲۸} در قانون مدنی فرانسه اقسام دیگری از بیع وجود دارد که در قانون مدنی ایران از آنها نام برده نشده است. برای مثال بیع اموالی که هنوز ساخته نشده‌اند به دو شکل بیع به وعده، و بیع آینده، در ماده ۱۶۰۱ قانون مدنی فرانسه وجود دارد.

^{۲۹} نگاه کنید به: کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: معاملات معوض - عقود تکمیلی - بیع - معاوضه - اجاره - قرض. چاپ انتشار، ۱۳۸۴، تهران.

عبارتند از بیع، معاوضه و قرض. برای مثال قرض عبارت از تملیک مال در مقابل رد مثل تعریف می‌شود و در معاوضه طرفین معاوضه تنها هدفشان مبادله دو عین بدون توجه و ملاحظه این که یکی از عوضین، مبیع و دیگری ثمن باشد. از لحاظ مفهومی این دو عقد با کارت مبادله راستین اشتراک معنایی زیادی دارند. علاوه بر این، در عقد صلح نیز از بابت گستردگی آن می‌توان همه عقود را در قالب آن منعقد کرد و لذا می‌تواند قالبی برای تملیک معوض عین باشد.

عقد قرض

در اصطلاح حقوقی قرض عبارت از تملیک مال به دیگری است، به شرطی که مقترض ادای خود آن مال یا مثل آن و یا قیمت آن را ضامن شود و تعهد کند. در قانون مدنی^{۳۰} آمده است که «قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر در مثل، قیمت یوم الرد را بدهد». در عقد قرض، شرط زیادی جایز نیست. بنابراین، بدون ربا بودن شرط اساسی جواز قرض می‌باشد. قرض از عقود معاوضه است که در آن مال از ملک مقترض منتقل می‌شود و در برابر آن ذمه مقترض مشغول می‌گردد. به عبارت دیگر قرض دهنده توسط قرض، مالکیت امری عینی را به مالکیت امری اعتباری مبدل می‌نماید و تضمین بازپرداخت اصل مال نیز ناشی از معاوضه بودن آن است.^{۳۱} قرض ماهیت تملیکی دارد و با عقد قرض، مقترض مالک آن می‌شود و موظف به پرداخت مثل آن مال که قرض گرفته است می‌باشد. قبض موضوع دین، شرط تملیک نیست و قرض از عقود رضائی است نه عینی که قبض در آن شرط صحت باشد. عقد قرض از عقود لازم است و قرض دهنده نمی‌تواند آن را فسخ کند. برخی قائل بر جایز بودن عقد قرض می‌باشند و لذا قائلند که می‌توان در آن شرط مدت کرد. شرط تأجیل دلالت بر دینی دارد که در زمان سررسید ادای آن واجب است. برخی قائلند عقد قرض لازم است و شرط تأجیل الزام‌آور نیست، مگر آنکه این شرط در ضمن عقد لازم دیگری صورت گیرد که در آن صورت الزام‌آور خواهد بود. در این صورت به رغم شرط تأجیل در عقد هر زمان بخواهد می‌تواند طلب خود را مطالبه کند و ایفای تعهد مقترض را درخواست نماید. قانون مدنی^{۳۲} تصریح می‌دارد که: «اگر برای اداء قرض، به وجه ملزومی، اجلی معین شده باشد، مقترض نمی‌تواند قبل از انقضاء مدت، طلب خود را مطالبه کند». در قرض اثر تغییر ارزش پول یا قدرت خرید آن اثر ندارد.

شرط ضمن عقد از جمله عناوینی است که در ابواب معاملات مطرح است. شرط زیاده در قرض بدین معنا است که قرض دهنده ضمن عقد شرط می‌کند که قرض گیرنده علاوه بر باز پس دادن مال قرض داده شده، مقداری اضافه به وی بدهد که از آن به «ربای قرضی» تعبیر می‌شود و ربا در لغت به معنای افزایش است. زیاده گاهی عینی است به معنی افزایش کمی مال قرض داده شده و یا حکمی است، به معنی افزایش در کیفیت. زیاده عینی حکم ربا را دارد ولی زیاده حکمی هرچند کمیّت ربا را ندارد ولی مصداق کیفی ربا را متبادر می‌کند. لذا شرط منفعت در عقد قرض، آن را وارد حریم ربا می‌نماید. این شرط به دلیل اینکه هیچگونه مازادی شامل کارت مبادله راستین نمی‌شود می‌تواند برای این

^{۳۰} ماده ۶۴۸ قانون مدنی.

^{۳۱} موسوی خمینی، آیت الله سیدروح‌الله؛ تحریرالوسیله، المكتبة العلمية الاسلامية، بی تا، ج ۱، ص ۶۵۲ و ص ۶۲۵.

^{۳۲} ماده ۶۵۱ قانون مدنی.

کارت مورد استفاده واقع شود. و این موضوع با قانون مدنی^{۳۳} که تصریح می‌دارد که: «مقترض باید مثل مالی را که دریافت کرده، رد کند، اگر چه قیمتاً ترقی یا تنزل کرده باشد» همخوان است.

عقد بیع

عقد بیع که از مهمترین عقود تملیکی است با اشتراط، قابلیت استفاده در کارت مبادله راستین را دارد. اختلاف فقها در تعریف عقد بیع و ویژگیها و شرایط آن، تردیدهایی را در برخی از مصادیق آن ایجاد نموده است هرچند در ماهیت بیع اختلاف اساسی ندارند. به عنوان مثال انتقال حقوق و منافع و انتقال سرقفلی به نظر بعضی، از مصادیق بیع و به نظر برخی دیگر خارج از بیع است.

ویژگی‌های اساسی عقد بیع در این است که بیع از عقود تملیکی و معوض است. بایع، میبع را در مقابل ثمن، به مشتری تملیک می‌کند. این ویژگی، عقد بیع را از عقود عهدی مانند جعاله و حواله و عقود اذنی مانند مکالت، ودیعه و عاریه و عقودی که مبتنی بر انتقال مالکیت رایگان می‌باشد مانند هبه، متمایز می‌گرداند. از طرفی در عقد بیع، عین مال معامله می‌شود. به عبارتی موضوع بیع، انتقال عین در مقابل عوض است. این ویژگی، عقد بیع را از اجاره و سایر عقود در مورد تملیک غیر عین، متمایز می‌سازد. لزوم و دوام بیع از دیگر ویژگی‌های بیع است که غالباً مورد آخر را تصریح نکرده‌اند.

به طور کلی از انطباق بیع با زمان، سه صورت قابل تصور است. اول اینکه بیع عین به صورت غیر موقت باشد. در این حالت، مالکیت استمراری عین به دیگری منتقل می‌گردد و مشتری پس از بیع، مالک دائمی میبع خواهد بود. در این حالت، بیع نسبت به دوام و استمرار، لابلشروط است ولی نسبت به توقیت مالکیت، بشرط لاست. دوم اینکه بیع اعیانی که برای تعیین میزان آن باید از زمان استفاده کرد مانند فروش میوه یک باغ برای مدت معین. در این مورد، زمان، قید مملوک می‌باشد و نه قید ملکیت. لذا، نفس تملیک، موقتی نیست بلکه مملوک، مقید به زمان است. سوم اینکه بیع موقت است و تملیک به صورت موقتی صورت می‌گیرد. یعنی عین به صورت موقت به دیگری فروخته می‌شود.^{۳۴} به طور کلی دو دلیل اساسی برای بطلان بیع موقت، ابراز شده است. اول اینکه بایع، میبع را به صورت موقت به مشتری تملیک می‌کند. بنابراین اثر بیع موقت، تملیک موقت است و تملیک موقت، نامعقول است و بر فرض معقول بودن، در حقوق اسلام شناخته شده نیست و لذا بیع موقت نیز باطل است. ولی اگر چه معنای رایج و شایع تملیک، تملیک مستمر و غیر مقید به زمان است، اما بدان معنا نیست که تملیک موقت در شریعت اسلام بی اعتبار و نامشروع باشد. بلکه تملیک و مالکیت موقت کاملاً معقول و مشروع است. دوم چنین بیعی از عنوان بیع مصطلح در فقه خارج است. زیرا در صورتی می‌توان عنوان بیع را بر یک معامله اطلاق کرد که چنین اطلاقی در عرف صحیح باشد. عقد بیع از دیر باز در میان جوامع رواج داشته و دارد و از عقود مخترعه و تأسیسی شارع مقدس اسلام نبوده و فقط امضاء شده و لذا لفظ بیع فاقد حقیقت شرعی و متشرعه است و به همان معنای عرفی خود باقی است.^{۳۵} با مراجعه به متون فقهی و نظری اجمالی به عرف مردم

^{۳۳} ماده ۶۵۰ قانون مدنی.

^{۳۴} سید محمد کاظم یزدی، عروة الوثقی.

^{۳۵} سید محمد کاظم یزدی در عروة الوثقی می‌نویسد: علت بطلان بیع موقت آن است که عرفاً عنوان بیع، بر بیع موقت صادق نیست و اگر صدق عرفی عنوان بیع بر چنین معامله‌ای مشکوک باشد باز هم نمی‌توان آن را از مصادیق بیع دانست.

مفهوم می‌شود که اصطلاح بیع در عرف و نیز در اصطلاح به قراردادی اطلاق می‌شود که در آن، عین مال در مقابل عوض به دیگری منتقل شود و رابطه با بیع با مال، قطع می‌گردد و رابطه مالکیت بین مشتری و عین برقرار می‌شود. در این حالت انتقال دائمی عین از ویژگی‌های لازم عقد بیع است و انتقال موقت عین از مصداق بیع نیست. و چون در عرف این ادراک و شعور ناخودآگاه نسبت به این معلومات به عمق ذهن افراد جامعه رسوخ کرده است، و منشأ پیدایش آن برای آنان به تحقیق روشن نیست؛ لذا به نظر می‌رسد که ارتکاز عرفی در باره مفهوم بیع دلالت بر ملکیت نامحدود و غیرمقید به زمان برای مشتری است لذا بیع موقت، برخلاف مفهوم عرفی آن می‌باشد و بیع موقت را نمی‌توان بیع دانست. بنابراین، بررسی قرارداد کارت مبادله راستین تحت عنوان عقد بیع، قابل قبول نمی‌تواند باشد. لذا این قرارداد اساساً نوعی بیع مصطلح نیست و بلکه نوعی توافق و قراردادی ویژه است که مفاد آن انتقال موقت مالکیت می‌باشد.^{۳۶} این موضوع یعنی موقت بودن تملیک در قرارداد کارت مبادله راستین باعث تمایز ماهوی قرارداد در کارت مبادله راستین با بیع می‌شود. زیرا در مرحله اول معامله کارت مبادله راستین، مالک عین را برای مدت محدودی به طرف مقابل منتقل می‌کند و در مرحله دوم نیز عکس این موضوع اتفاق می‌افتد و مالک دوم عین را برای مدت محدودی به طرف اول منتقل می‌کند، اما ماهیت عقد بیع با تملیک موقت سازگار نیست.

متعاقدين می‌توانند در ضمن عقد بیع، هر شرطی که برخلاف احکام شرع و مقتضای عقد نباشد، شرط نمایند. این معامله، بیع شرط نامیده می‌شود. خیار در بیع شرط برای فروشنده شرط می‌شود و در واقع فقط فروشنده می‌تواند از این امتیاز استفاده کند و قید خیار برای فروشنده موجب محدودیت سلطه خریدار بر مال می‌شود. شرط استفاده از این خیار پرداخت ثمن می‌باشد. «در بیع شرط مشتری نمی‌تواند در مبیع تصرفی که منافی خیار باشد، از قبیل نقل و انتقال و غیره بنماید».^{۳۷} بیع شرط قابلیت استفاده در کارت مبادله راستین را دارد. متعاملین می‌توانند شرط کنند که مقتضای ضمن پرداخت مبلغ قرض گرفته شده در سررسید به میزان همان مدت همان مبلغ قرض گرفته شده را به مقرض اول قرض دهد و سپس در سررسید دوم باز ستاند.

قراردادهای بیع متقابل نیز در این راستا قابل طرح و بررسی است ولی با توجه به اینکه در قالب قرارداد مطرح است به آن نمی‌پردازیم.^{۳۸}

عقود اذنیه

عقود اذنیه شامل وکالت، عاریه و ودیعه می‌شوند. اذن ایقاع است و یک طرفه می‌باشد و احتیاج به قبول ندارد. به دلیل شباهت این عقود با اذن، بعضی از فقها عقود مزبور را از مصادیق اذن دانسته، و بر این باورند که وکالت، ودیعه و عاریه، عقد نمی‌باشند، بلکه همانند اذن بدون توقف بر قبول طرف مقابل تحقق می‌یابند^{۳۹} اذن به صرف انشای اذن دهنده واقع می‌شود، در حالی که این عقود، زمانی تحقق می‌یابند که مورد قبول طرف عقد قرار گیرند و اراده طرف مقابل نه

آیت الله خویی می‌نویسد: بی تردید انشای عقد بیع از حیث زمان مطلق است و با بیع در عقد بیع، ملکیتی مطلق و همیشگی را انشاء می‌کند.

^{۳۶} برای تشابه موضوعات بحث شده با مبحث تایم شر نگاه کنید به: سعید شریعتی، بیع زمانی، مجله فقه اهل بیت - شماره ۲۵.

^{۳۷} قانون مدنی ماده ۴۶۰.

^{۳۸} نگاه کنید به: هدایت الله سلطانی‌نژاد، بررسی اعتبار بیع کالی به کالی در حقوق ایران و منابع فقهی. فصلنامه مفید، شماره ۶، قم.

^{۳۹} محمد کاظم طباطبایی یزدی، تکملة عروۃ الوثقی، ج ۲، ص ۱۲۰، مسئله ۵.

تنها در تحقق، بلکه در بقای آنها نیز مؤثر است. به همین لحاظ، چنانچه طرف دیگر اراده کند، عقود مذکور فسخ می گردد. ولی، در اذن، رد یا قبول مأذون در وقوع یا بقای آن نقش ندارد. تفاوت دیگر اذن و عقود اذنیّه موضوع آنهاست. موضوع و مورد اذن، در مورد عاریه و ودیعه صرفاً مال می باشد و حتی در عاریه، فقط مالی می تواند مورد عاریه قرار گیرد که انتفاع به نابودی عین نیانجامد.^{۴۰} در حالی که مورد اذن، اعم از مال و غیرمال است. در عقود اذنیّه همانطور که اذن با فوت یا جنون اذن دهنده ساقط می شود این عقود نیز با فوت یا جنون یکی از طرفین منفسخ می گردند.

واژه وکالت به معنی واگذار کردن، اعتماد و تکیه کردن به دیگری است.^{۴۱} و در قانون مدنی «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می نماید»^{۴۲}. وکالت عقدی جایز می باشد و هر یک از طرفین در هر وقت خواسته باشند می توانند آن را فسخ کنند.

واژه عاریه به معنای هر چیزی است که قابل داد و ستد باشد. در عاریه شخص به عنوان تبرع کسی را مسلط بر عینی از اموال خود می کند تا او از آن عین استفاده کند. در قانون مدنی «عاریه عقدی است که بموجب آن احد طرفین بطرف دیگر اجازه می دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود. عاریه دهنده را معیر و عاریه گیرنده را مستعیر گویند»^{۴۳}. همینطور^{۴۴} «عاریه دهنده علاوه بر اهلیت باید مالک منفعت مالی باشد که عاریه می دهد اگرچه مالک عین نباشد. هر چیزی که بتوان با بقاء اصلش از آن منتفع شد می تواند موضوع عقد عاریه گردد. منفعتی که مقصود از عاریه است منفعتی است که مشروع و عقلانی باشد. عاریه، عقدی است جائز». بنابراین طرفین عقد می توانند هرگاه که بخواهند آن را منفسخ نمایند.

واژه ودیعه به معنی سپرده و امانت می باشد. در قانون مدنی^{۴۵} «ودیعه عقدی است که بموجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می سپارد برای آنکه آن را مجاناً نگاه دارد. ودیعه گذار مودع و ودیعه گیر را مستودع یا امین می گویند. در ودیعه قبول امین لازم است اگرچه به فعل باشد». ودیعه باید مجانی باشد و آلا اجاره است و امین نیز، اجیر محسوب می شود، ولی اگر مودع پاداشی در ضمن عقد برای حفاظت مال قرار داده باشد، اجرت امانت داری تلقی نمی شود. «ودیعه عقدی جائز است»^{۴۶}. لذا هر کدام از مودع و مستودع هر زمان که بخواهند، می توانند آن را منفسخ نمایند.

هرچند هر کدام از این عقود به وجهی با مشخصات کارت مبادله راستین انطباق دارند، جائز بودن عقود اذنیّه کافی است که نتوان آنها را در قرارداد کارت مبادله راستین استعمال کرد.

عقد هبه

واژه هبه به معنی انعام، بخشش، هدیه و صدقه می باشد. در قانون مدنی «هبه عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک می کند. تملیک کننده واهب، طرف دیگر را متهب، مالی را که مورد هبه است

^{۴۰} ماده ۶۳۷ قانون مدنی: «هر چیزی که بتوان با بقای اصلش از آن منتفع شد، می تواند موضوع عقد عاریه گردد».

^{۴۱} المنجد، لويس معلوف؛ ناشر: انتشارات اسماعیلیان تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲.

^{۴۲} ماده ۶۵۶ قانون مدنی.

^{۴۳} ماده ۶۳۵ قانون مدنی.

^{۴۴} مواد ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۳۸ قانون مدنی.

^{۴۵} مواد ۶۰۷ و ۶۰۸ قانون مدنی.

^{۴۶} ماده ۶۱۱ قانون مدنی.

عین موهوبه می گویند».^{۴۷} هبه با قبض تحقق می یابد.^{۴۸} در جایز یا لازم بودن عقد هبه اختلاف نظر وجود دارد. قانون مدنی^{۴۹} تصریح می دارد که: «بعد از فوت واهب یا متهب رجوع ممکن نیست». «هبه می تواند معوض باشد و واهب شرط کند که متهب مالی را به او در مقابل هبه تملیک کند یا عمل مشروعی را مجاناً به جا آورد».^{۵۰} تفاوت هبه معوضه با عقود دیگر در این است که در هبه معوضه عوضی که در آن قرار داده می شود در مقابل مال موهوب نیست بلکه عوض در مقابل شرط واهب می باشد. در عقود دیگر مثل بیع، عوض در قبال عین می باشد. هبه جزء عقود است، علاوه بر ایجاب احتیاج به قبول نیز دارد و قبض عین موهوبه شرط صحت آن می باشد و اگر متهب عین موهوبه را قبض نکند حکم ملکیت بر آن اطلاق نمی یابد. هبه عقدی است جائز و هر یک از طرفین می توانند آن را منفسخ نمایند مگر در موارد خاصی که قانون مدنی تصریح می دارد^{۵۱} که منجمله این موارد هبه معوضه ای می باشد که در آن عوض داده شده باشد. در صورتی که در کارت مبادله راستین منفعت مازادی وجود می داشت هبه معوضه در انشاء قرارداد کارت مبادله راستین قابل استفاده بود ولی چون در این کارت مازاد و عوضی منتج از قرض اول یا قرض دوم حاصل نمی شود لذا معوضی وجود ندارد و وقتی معوض غایب باشد این عقد به عقد هبه که عقدی جائز است تبدیل می گردد و هبه معوضه کاربرد حقوقی در این نوع قرارداد نمی یابد.

عقد معاوضه

واژه معاوضه به معنی مبادله کردن و در اصطلاح به مبادله کالا، خدمت یا دارائی و مال گفته می شود. در اصطلاح حقوقی معاوضه به مبادله عین به عین گفته می شود و مبادله کالا با پول تحت عنوان بیع قرار می گیرد که در حقیقت تکامل یافته معاوضه ای می باشد که قبل از اختراع پول بکار برده می شد.^{۵۲} قانون مدنی تملیک عین معوض معلوم را بیع تعریف می کند و فرقی بین معاوضه و بیع قائل نیست، با اینکه تمیز این دو آثار مهمی دارد و بعضی از اقسام خیارات مثل خیار تأخیر ثمن، ویژه بیع است و در معاوضه وجود ندارد^{۵۳} نمی توان طبق این تعریف تشخیص داد که آیا بیع یا معاوضه صورت گرفته تا آثار خاص آن را تحمیل کرد. در شناخت ماهیت بیع و معاوضه می توان به قصد طرفین و عرف مراجعه نمود، و چنانچه طرفین بخواهند دو چیز را بی هیچ امتیازی با یکدیگر مبادله کنند این تبادل، تابع عقد معاوضه است. و

^{۴۷} ماده ۷۹۵ قانون مدنی.

^{۴۸} ماده ۷۹۸ قانون مدنی. «هبه واقع نمی شود مگر با قبض متهب و قبضی مؤثر است که با اذن واهب باشد».

^{۴۹} ماده ۸۰۵ قانون مدنی.

^{۵۰} ماده ۸۰۱ قانون مدنی.

^{۵۱} ماده ۸۰۳ قانون مدنی: بعد از قبض نیز واهب می تواند با بقاء عین موهوبه از هبه رجوع کند مگر در موارد ذیل:

- (۱) در صورتی که متهب پدر یا مادر یا اولاد واهب باشد.
 - (۲) در صورتی که هبه معوض بوده و عوض هم داده شده باشد.
 - (۳) در صورتی که عین موهوبه از ملکیت متهب خارج شده یا متعلق حق غیر واقع شود خواه قهراً مثل اینکه متهب به واسطه فلس محجور شود خواه اختیاراتاً مثل اینکه عین موهوبه به رهن داده شود.
 - (۴) در صورتی که در عین موهوبه تغییری حاصل شود.
- ^{۵۲} مفهوم بیع از سال ۷۵۲ قبل از میلاد آغاز رایج شد. در آن زمان بشر برای اولین بار در شهر لیدیا (Lidia) در غرب ترکیه با مفهوم پول آشنا شد و به ضرب سکه های طلا و نقره پرداخت. قبل از آن بیع به صورت عقد معاوضه و یا مبادله کالا با کالا صورت می گرفت.
- ^{۵۳} ماده ۴۶۵ قانون مدنی: «در معاوضه احکام خاصه بیع جاری نیست».

هرگاه قصدشان بر این باشد که یکی از آن دو مبیع، و دیگری ثمن باشد، باید حکم بیع بر آن نمود.^{۵۴}

در فقه، معاوضه تحت عنوان عقود معین به حساب نمی‌آید، در حالی که قانون مدنی آن را جزء عقود معین شمار کرده است. براساس قانون مدنی^{۵۵} «معاوضه عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین مالی می‌دهد به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می‌کند بدون ملاحظه این که یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد». پس فرق معاوضه با بیع در قصد طرفین است.^{۵۶} قانون مدنی^{۵۷} مقرر می‌دارد که احکام خاصه بیع - از قبیل تلف مبیع قبل از تسلیم و خیارات - در معاوضه جاری نیست. هرچند فلسفه وجودی خیارات برای حفظ عدالت معاوضی است. اگر طرفین در معاوضه قصد سود داشته باشند و اگر معامله از تعادل اقتصادی برهم بخورد و برای مثال غبن احراز گردد طرف مقابل حق فسخ دارد.^{۵۸} این حق فسخ ناشی از عدالت معاوضی معین شده است. اگر قرارداد کارت مبادله راستین را مشمول عقد معاوضه بدانیم احکام بیع از قبیل تلف مبیع قبل از تسلیم و خیارات ذاتاً در کارت مبادله راستین همانند عقد بیع وجود ندارد - مگر در موارد خاص - و عدالت معاوضی بطور ذاتی در کارت مبادله راستین وجود دارد. همچنین در معاوضه نمی‌توان حق شفعه^{۵۹} برای شریک قائل شد و حق شفعه از احکام خاص بیع است و در معاوضه ساری نیست که این موضوع انطباق عقد معاوضه را با قرارداد کارت مبادله راستین بیشتر می‌نماید. ولی احکام کلی بیع مثل حق حبس، لزوم تسلیم مورد معامله و قدرت بر تسلیم آن و اهلیت طرفین و ... در معاوضه نیز همانند بیع جاریست. اعمال قواعد بیع در معاوضه نظیر انفساخ عقد، تلف مبیع قبل از قبض و حق فسخ در اثر اعسار خریدار، در معاوضه مورد تردید است. از طرفی عقد معاوضه مثل صلح، مبتنی بر مسامحه است و طرفین فقط قصد مبادله دارند، و خیار غبن بر عقدی که مبتنی بر مسامحه باشد راه ندارد.^{۶۰} تفاوت دیگر عقد معاوضه و بیع این است که در بیع، مبیع باید عین باشد ولی در معاوضه می‌تواند عین یا منفعت یا حق مالی باشد.^{۶۱} این تفاوت بکار بردن عقد معاوضه را برای کارت مبادله راستین تسهیل می‌نماید. معوض بودن، لازم بودن و تملیکی بودن عقد معاوضه همانند عقد بیع از ویژگی‌های دیگر این عقد است که با ویژگی‌های کارت مبادله راستین همخوان و همسو می‌باشند.

قرارداد و کارت مبادله راستین

معاملات و اعمال حقوقی که حداقل به اراده دو شخص نیاز دارند بر دو دسته عقود معین و قرارداد تقسیم

^{۵۴} کاتوزیان، ناصر؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی، درسهائی از عقود معین، جلد ۱، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۹.

^{۵۵} ماده ۴۶۴ قانون مدنی.

^{۵۶} البته با استناد به ماده ۳۳۸ قانون مدنی عین بودن مبیع هم جزء این فرق است.

^{۵۷} ماده ۴۶۵ قانون مدنی.

^{۵۸} شهیدی، مهدی، حقوق مدنی، نشر مجد، ۱۳۸۸، تهران.

^{۵۹} ماده ۸۰۸ قانون مدنی: «هرگاه مال غیرمنقول قابل تقسیمی بین دونفرمشترک باشد و یکی ازدوشریک حصه خود را به قصد بیع به شخص ثالثی منتقل کند شریک دیگرحق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند. این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع می‌گویند».

^{۶۰} ماده ۷۶۱ قانون مدنی: «صلحی که درمورد تنازع یا مبنی به تسامح باشدقاطع بین طرفین است و هیچیک نمی‌تواندآن را فسخ کند اگرچه به ادعای غبن باشد مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار».

^{۶۱} نگاه کنید به: امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹، چاپ بیست و یکم.

می‌شوند. هر چند اگر کارت مبادله راستین در عقود معین هم ننگنجد متعاقدین بنا بر اصل آزادی قراردادها^{۶۲} تا آنجا که مخالفتی با نظم عمومی و اخلاق حسنه و یا قواعد آمره^{۶۳} نداشته باشند حق دارند معامله خود را حالاً یا مؤجلاً انجام دهند و در هر حال احترام اراده آنان لازم و واجب است. و چون این عقد مؤجل است طرفین تعهد باید تعهدات متقابل خود را با رعایت تقارن کامل در زمان متعهد انجام دهند، لذا اراده مشترک طرفین مشخص کننده ماهیت قرارداد است. از طرفی قواعد و مقررات مربوط به قرارداد کارت مبادله راستین غیر آمره هستند و در زمره قواعد تکمیلی، تفسیری و یا تعویضی قرار می‌گیرند زیرا اساساً مبتنی بر توافق و تراضی طرفین قرارداد به وجود می‌آیند. نقل و انتقال مال در کارت مبادله راستین می‌تواند به صورت معاوضه، بیع، صلح، هبه یا دیگر عقود به شخص ثالث باشد که موافقت تام با قانون مدنی دارد.

استحداث عقد

شیوه برخورد با مسائل مستحدثه و نو باید به گونه‌ای باشد که هر مساله جدید و بی سابقه را با مبانی مورد قبول و اصول پذیرفته شده فقهی و حقوقی سنجید و چنانچه مغایر آنها شناخته شد از اجرا و رواج آن جلوگیری کرد در غیر این صورت باید در جهت قانونمند کردن آن تلاش نمود. و از سوی دیگر مبانی مسلم فقهی و اصول پذیرفته شده حقوقی را نباید در راه توجیه یا تصحیح یک پدیده جدید مخدوش ساخت. بر این اساس باید عقد جدیدی را برای مسئله مستحدثه کارت مبادله راستین تعریف نمود.

بسیاری از عملیات پولی و بانکی از منظر قانون مدنی مستحدثه قلمداد می‌شوند و تنها کارت مبادله راستین نیست که دچار این اشکال است. در ارتباط با این موضوع باید گفت که طبق تعریف قانون مدنی از قرض از آنجا که سپرده‌های قرض الحسنه جاری در هر لحظه کم و زیاد می‌شود، اطلاق مقدار معین به وجوه ناشی از سپرده قرض الحسنه جاری بی‌معنا است، مگر آنکه در هر بار تغییر در مانده این حساب‌ها، طرفین، عقد قرض را مجدداً منعقد کنند که در عمل، شدنی نیست. از طرفی طبق قانون مدنی^{۶۴} «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.» و به نظر نمی‌رسد حداقل در افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری در بانک‌ها دارنده حساب جاری، قصدش اعطای قرض به بانک باشد. لذا در مورد این حساب‌ها عقد قرض محقق نمی‌گردد. با توجه به اینکه صاحب حساب در هر زمان می‌تواند بدون اخطار قبلی سپرده خود را بعضاً یا کلاً دریافت کند، لذا از این جهت نیز اطلاق صفت قرض الحسنه به این سپرده‌ها خالی از اشکال نیست. با توجه به این مراتب سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز و قرض الحسنه دیداری را نمی‌توان قرض تلقی کرد. این حساب‌ها طبق قانون مدنی^{۶۵}، منافع حاصله از ودیعه مال مالک است، بنابراین اگر حساب‌های قرض الحسنه پس‌انداز و قرض الحسنه دیداری را سپرده فرض کنیم، صاحبان حساب قرض الحسنه پس‌انداز و قرض الحسنه جاری باید در منافع به‌کارگیری این وجوه توسط بانک شریک باشند؛ که نیستند.

^{۶۲} ماده ۱۰ قانون مدنی: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.»

^{۶۳} قواعد آمره متوجه قواعد مربوط به نظم عمومی، قواعد مربوط به حفظ و حراست اخلاق حسنه یا عفت عمومی در جامعه و قواعد مربوط به سیاست‌های عمومی دولت می‌باشند.

^{۶۴} ماده ۱۹۱ قانون مدنی.

^{۶۵} ماده ۶۲۳ قانون مدنی.

استفاده بانکها از این حسابها با تعریف عقد عاریه بیشتر همخوان است که طبق تعریف^{۶۶} «عاریه عقدی است که به موجب آن احد طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود.» در صورتی که در عقد عاریه عوض مقصود نشده است.

شاید نگاه تعریفی به عقود اذنیه راه حلی برای کارت مبادله راستین به نظر برسد. مثلاً عقد عاریه به صورت متقابل تعریف شود بدین وجه که دو نفر تصمیم بگیرند دارائی مشخص خود را برای مدتی مساوی به صورت عاریه نزد طرف دیگر بسپارند. نفر اول وجهی مشخص را برای مدتی معین نزد طرف دیگر می‌سپارد و طرف دوم عیناً همان مقدار وجه را برای همان مدت نزد طرف اول به امانت می‌گذارد و هیچگونه مازاد مادی و یا امتیاز اضافه برای هیچکدام از طرفین در نظر گرفته نمی‌شود. عقد ودیعه متقابل نیز به نحوی می‌تواند در این ارتباط تعریف شود. ولی جایز بودن عقود اذنیه بکارگیری عقد عاریه بصورت متقابل و عقد ودیعه بصورت متقابل و هبه معوضه با مقدار هبه صفر را در ارتباط با کارت مبادله راستین دچار اشکال می‌نماید.^{۶۷} در مورد اخیر همانطور که ذکر شد یکی از استثنائات رجوع در عقد هبه آن است که هبه معوض باشد و عوض هم داده شده باشد و چون در کارت مبادله راستین نمی‌توان هبه‌ای غیر از صفر در نظر گرفت لذا عوضی هم بعنوان هبه وجود ندارد که در صورت دادن عوض حق رجوع کان لم یکن گردد و لذا حق رجوع و فسخ عقد از طریق واهب وجود دارد.

استعمال واژه «عقد معاوضه زمانی» در این ارتباط بی‌مسمی نیست. بر این اساس تعریف می‌کنیم که: «معاوضه زمانی عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین مالی می‌دهد به عوض مال مؤجل دیگر که از طرف دیگر اخذ می‌کند بدون ملاحظه این که یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد». از طرف دیگر اگر عقد قرض را بطور متقابل و با ملاحظه زمان و بدون مازاد مد نظر قرار دهیم می‌توان «عقد قرض زمانی» را نیز به این شکل تعریف نمود: «قرض زمانی عقدی است که بموجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را بطرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف در زمان مؤجل رد نماید و در صورت تعذر رد مثل قیمت یوم الرد را بدهد.» این تعریف با ماده ۲۹۸ قانون مدنی نیز انطباق دارد.^{۶۸}

در تمام این قوالب، نفر اول وجهی مشخص را برای مدتی معین نزد طرف دیگر می‌سپارد و طرف دوم عیناً همان مقدار وجه را برای همان مدت نزد طرف اول به امانت می‌گذارد و هیچگونه مازاد مادی و یا امتیاز اضافه برای هیچکدام از طرفین در نظر گرفته نمی‌شود.

عقد مبادله

در لایحه بانکداری راستین^{۶۹} عقد مبادله این گونه تعریف می‌شود که: مبادله عقدی است که به موجب آن،

^{۶۶} ماده ۶۳۵ قانون مدنی.

^{۶۷} بیدآباد، بیژن (۱۳۸۹). بررسی حقوقی اوراق قرضه بدون ربا. <http://www.bidabad.com/doc/legal-analysis-of-non-usury-bonds.pdf>

^{۶۸} ماده ۲۹۸ قانون مدنی: «اگر فقط محل تادیه دینین مختلف باشد تهاتر وقتی حاصل می‌شود که با تادیه مخارج مربوطه به نقل موضوع قرض از محلی به محل دیگری یا به نحوی از انحاء طرفین حق تادیه در محل معین را ساقط نمایند.»

^{۶۹} بیژن بیدآباد، آذرننگ امیراستوار، سعید عبداللهی، محمود الهیاری‌فرد، اسکندر پردل، مریم حیدری، علیرضا شفیعی، محمدعلی پوربهرروز،

پیشنویس لایحه قانونی بانکداری راستین، بانک ملی ایران، ۱۳۹۱. <http://www.bidabad.com/doc/rastin-banking-bill.pdf>

طرفین تعهد می‌نمایند تا یک طرف (مبادل) مبلغ معینی از دارایی خود را (بدل) برای مدت معلوم به دیگری (متبادل) تملیک نموده و در مقابل طرف دیگر (متبادل) به همان مبلغ از دارایی خود را (مبادل) برای همان مدت به وی (مبادل) تملیک نماید.

۱- مدت زمانی که بدل در تملک متبادل است مدت بدل و مدت زمانی که مبادل در تملک مبادل است مدت مبادل نام دارد.

۲- بدل یا مبادل یا هر کدام از آنها می‌توانند هر مالی باشد به شرط اینکه ارزش بدل معادل ارزش مبادل در هنگام عقد قرارداد باشد.

۳- اگر مبادل غیر وجه نقد رایج کشور باشد در صورت تعذر متبادل در ادای تعهد، باید بهای مبادل را برای مدت مبادل به مبادل تملیک کند.

۴- اگر بدل از نظر وصف یا جنس متفاوت از مبادل باشد باید ارزش هر دو هنگام عقد قرارداد مساوی باشد.

۵- به منظور جلوگیری از ربا مقدار بدل و مدت بدل باید با مقدار مبادل و مدت مبادل مساوی باشد.

۶- چنانچه مقدار بدلین یا مدت بدلین نامساوی باشد به منظور جلوگیری از ربا باید حاصل ضرب مبلغ بدل ضربدر مدت بدل مساوی حاصل ضرب مبلغ مبادل در مدت مبادل باشد.

۷- در مبادله احکام خاصه بیع جاری نیست.

۸- مبادله عقدی لازم است.

۹- اگر بدل یا مبادل در ید هر طرف ناقص یا تلف شود ضامن و ید مدیون در مقابل داین ضمانتی است.

۱۰- زمان شروع مدت بدل و زمان شروع مدت مبادل می‌توانند متفاوت باشند.

منابع

- ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی اسدی، (علامه حلی)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۲.
- ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی اسدی، (علامه حلی)، تذکره الفقهاء (ط-الحديثه)، ج ۱۳.
- امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹، چاپ بیست و یکم.
- بیژن بیدآباد، آذرنگ امیراستوار، سعید عبداللہی، محمود الهیاری فرد، اسکندر پردل، مریم حیدری، علیرضا شفیعی، محمدعلی پوربهروز، پیشنویس لایحه قانونی بانکداری راستین، بانک ملی ایران، ۱۳۹۱.
- <http://www.bidabad.com/doc/rastin-banking-bill.pdf>
- بیژن بیدآباد، آذرنگ امیراستوار، سعید عبداللہی، محمود الهیاری فرد، اسکندر پردل، مریم حیدری، علیرضا شفیعی، محمدعلی پوربهروز، پیشنویس آئین‌نامه اجرائی بانکداری راستین، بانک ملی ایران، ۱۳۹۱.
- <http://www.bidabad.com/doc/rastin-banking-regulation.pdf>
- <http://www.bidabad.com/doc/rsd-paper-fa.pdf>، ۱۳۹۳، (RSC).
- بیژن بیدآباد، محمود الهیاری فرد، اوراق قرضه غیرربوی (ریالی و ارزی) و ابزارهای پولی بانکداری مرکزی بدون ربا، مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران. ۳۰ بهمن لغایت ۱ اسفند ۱۳۸۹، گروه مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، صفحات ۵۴۰-۵۱۷.
- <http://www.bidabad.com/doc/Islamic-banking-bond-fa.pdf>

- بیژن بیدآباد، گواهی قرض الحسنه پس انداز (SQC)، مجموعه مقالات همایش ملی بانکداری اسلامی در تأمین مالی (با تأکید بر بانکداری اسلامی)، ۲۲ آذر ۱۳۹۰، بانک قرض الحسنه مهر ایران و دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
<http://www.bidabad.com/doc/gavahi-qarzulhasana-pasandaz.pdf>
<http://bidabad.com/doc/gavahi-qarz-paper.ppt>
- بیژن بیدآباد، امیر عباس سیاهپوش، مهتاب میرزایی قاضی، سمیه الجبوری، زینب غلامی، امیر شریفی، امیر شمس، شهرام اکبرزاده. طرح تفصیلی گواهی قرض الحسنه پس انداز، بانک قرض الحسنه مهر ایران، ۱۳۸۹.
<http://bidabad.com/doc/gavahi-qarz-tarh-bi-vam.pdf>
<http://bidabad.com/doc/gavahi-qarz-tarh.ppt>
- بیژن بیدآباد، امیر عباس سیاهپوش، مهتاب میرزایی قاضی، سمیه الجبوری، زینب غلامی، امیر شریفی، امیر شمس، شهرام اکبرزاده. طرح تفصیلی گواهی قرض الحسنه پس انداز با گواهی امتیاز حق وام، بانک قرض الحسنه مهر ایران، ۱۳۹۰.
<http://bidabad.com/doc/gavahi-qarz-tarh-ba-vam.pdf>
- بیژن بیدآباد، بررسی فقهی و حقوقی اوراق قرضه بدون ربا، مجموعه مقالات همایش ملی بانکداری اسلامی در تأمین مالی (با تأکید بر بانکداری اسلامی)، ۲۲ آذر ۱۳۹۰، بانک قرض الحسنه مهر ایران و دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
<http://www.bidabad.com/doc/legal-analysis-of-non-usury-bonds.pdf>
<http://bidabad.com/doc/legal-analysis-of-non-usury-bonds.ppt>
- بیژن بیدآباد، شیوه عملیاتی اوراق مبادله راستین، ۱۳۹۲.
<http://www.bidabad.com/doc/rsb-operations-fa.pdf>
- بیژن بیدآباد، محمود الهیاری فرد، تأمین مالی غیرربوی مبتنی بر فناوری اطلاعات. مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران. ۳۰ بهمن لغایت ۱ اسفند ۱۳۸۹، گروه مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، صفحات ۸۹-۶۹.
<http://www.bidabad.com/doc/non-usury-finance-it-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن (۱۳۸۹). بررسی حقوقی اوراق قرضه بدون ربا.
<http://www.bidabad.com/doc/legal-analysis-of-non-usury-bonds.pdf>
- بیژن بیدآباد، عبدالرضا هرسینی، تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستی‌های فقه متداول در کشف احکام شارع. ارائه شده به همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲. چاپ مجدد در مجله بانک و اقتصاد شماره‌های: ۱۰۶: خرداد ۱۳۸۹، صفحات: ۴۲-۳۸؛ ۱۰۸: مرداد ۱۳۸۹، صفحات: ۴۱-۳۶؛ ۱۰۹: شهریور ۱۳۸۹، صفحات: ۳۸-۳۴؛ ۱۱۱: آبان ۱۳۸۹، صفحات: ۳۸-۳۴؛ ۱۱۲: آذر ۱۳۸۹، صفحات: ۴۴-۴۲.
<http://www.bidabad.com/doc/reba-fa.pdf>
- دستورالعمل اجرایی عقد مرابحه، بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۰.
- سید محمد مجاهد طباطبائی، المناهل.
- سعید شریعتی، بیع زمانی، مجله فقه اهل بیت - شماره ۲۵.
- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی، نشر مجد، ۱۳۸۸، تهران.
- شیخ نورالدین علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی، محقق ثانی (محقق کرکی)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴ ه ق، چاپ: دوم، قم، ج ۵.
- علامه سید محمد جواد بن محمد حسینی شقرانی عاملی نجفی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد علامه.
- فخرالدین ابوطالب محمد بن حسن بن یوسف حلی (فخر المحققین)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد،

- مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ه ق، قم، ج ۲.
- قاضی نعمان بن محمد بن منصور مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲.
 - قانون مدنی فرانسه.
 - قانون مدنی ایران.
 - کاتوزیان، ناصر؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی، درسهای از عقود معین، جلد ۱، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۹.
 - کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: معاملات معوض - عقود تکمیلی - بیع - معاوضه - اجاره - قرض. چاپ انتشار، ۱۳۸۴، تهران.
 - لويس معلوف؛ المنجد، ناشر: انتشارات اسماعیلیان تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲.
 - محمد حسن بن باقر نجفی (صاحب الجواهر)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت، لبنان، ج ۲۵.
 - محمدتقی بهجت، <http://bahjat.org/fa/content/view/1008>
 - موسوی خمینی، آیت الله سیدروح الله؛ تحریرالوسیله، المكتبة العلمية الاسلاميه، بی تا، ج ۱.
 - محمد کاظم طباطبایی یزدی، تکمله عروة الوثقی، ج ۲.
 - هدایت الله سلطانی نژاد، بررسی اعتبار بیع کالی به کالی در حقوق ایران و منابع فقهی. فصلنامه مفید، شماره ۶، قم.
 - یوسف صانعی، منتخب الاحکام مطابق با فتاوی آیت الله شیخ یوسف صانعی، انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۰، قم.
 - یوسف صانعی، منتخب الاحکام طبقاً للفتاوی آية الله الشيخ يوسف الصانعي. ۴ ذوالقعدة ۱۴۱۷. مکتب قم، شارع الشهيد محمد المنتظري، الفرع الثامن، رقم ۴، قم، ایران. <http://www.feqh.org/ar/books/pdf/montakhab.pdf>
 - Martin, Andrew (January 4, 2010). How Visa, Using Card Fees, Dominates a Market. New York Times.
 - CreditCards.com (2006). Prepaid debit card benefits and disadvantages. Creditcards.com.
 - Bidabad, Bijan, Mahmoud Allahyarifard. Usury-Free Bonds and Islamic Central Banking Monetary Instruments. 2010. <http://www.bidabad.com/doc/Islamic-banking-bond-en.pdf>
 - Bidabad, Bijan, Abul Hassan, Ben Ali Mohamed Sami, Mahmoud Allahyarifard. Interest-Free Bonds and Central Banking Monetary Instruments. International Journal of Economics and Finance. Vol. 3, no. 3, Aug 2011, pp.234-241. <http://www.ccsenet.org/journal/index.php/ijef/article/download/11665/8300>
 - Bidabad, Bijan, Interest-Free Treasury Bonds (IFTB), 2011. <http://www.bidabad.com/doc/interest-free-t-bond-en.pdf> <http://www.bidabad.com/doc/iftb-en.pptx>
 - Bidabad, Bijan, Interest-Free Treasury Bonds (IFTB), Islamic Finance and Legal Clarifications, 2011. <http://www.bidabad.com/doc/interest-free-t-bond-feqhi-en.pdf>
 - Bidabad, Bijan, Abul Hassan, Ben Ali Mohamed Sami, Mahmoud Allahyarifard. Interest-Free Bonds Financial Innovation, A Monetary Instrument for Economy at Crisis. Journal of Economic Cooperation and Development (JECED). 32, 1, 2011, 55-70. http://www.sesric.org/jecd/jecd_articles/ART10102201-2.pdf